

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: زبان و ادبیات عرب

عنوان:

ترجمه و تحلیل موضوعی ادبی قصیده « خَلْفَتُ غَاشِيَةِ الْخُنُوعِ » از محمد مهدی جواهری

استاد راهنما :

دکتر ناهیده گندمی کال

استاد مشاور :

دکتر ملیح السادات فردانی

پژوهشگر :

یوسف باقری مطلق پاشاکی

تابستان ۱۳۹۰

تقدیر و تشکر

مننت خدای عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت، سپاس خدای را که با بعثت بنده پرهیزگار و گرامی خود پیامبر ختمی مرتبت و خاندان پر حقش، ائمه معصومین، بر ما منت گذاشت و دنیای تاریک ما را در فروغ این چراغهای آسمانی روشن فرمود.

بر خود لازم می دانم تا از روشنگران مسیر علم اندوزیم ، اساتید گرانقدر نیز مراتب قدردانی را ابراز نمایم.

از سرکار خانم دکتر ناهیده گندمی کمال استاد راهنمای گرامییم که در این دوره از تحصیل و انجام پایان نامه مرا یاری کردند، کمال تشکر را دارم.

از سرکار خانم دکتر ملیح السادات فردانی استاد مشاور گرانقدرم که راهنمایی های ارزنده ای در جهت بهبود کیفیت علمی پایان نامه به من ارائه کردند سپاسگزارم.

از جناب آقای دکتر هوشنگ زندی که قبول زحمت فرموده و داوری این پایان نامه را بر عهده گرفتند کمال تشکر را دارم.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **یوسف باقری مطلق پاشاکی** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۸۰۶۴۹۲۳۹۰۰ در رشته زبان و ادبیات عرب که در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۵ از پایان نامه خود تحت عنوان: **ترجمه و تحلیل موضوعی ادبی قصیده «خَلْفَتْ غَاشِيَةِ الْخَنُوعِ»** از **محمد مهدی جواهری** با کسب نمره ۱۸ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه‌تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۵

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای یوسف باقری مطلق پاشاکی از پایان
نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۸ بحروف **هیجده تمام** و با درجه
عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ت	چکیده.....
۱	مقدمه.....
فصل اول : کلیات	
۳	۱-۱ بیان مسأله.....
۳	۲-۱ هدف.....
۳	۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن.....
۴	۴-۱ سوالات.....
۴	۵-۱ روش.....
۵	۶-۱ طرح.....
۶	۷-۱ پیشینه.....
۶	۸-۱ محدودیت ها.....
۶	۹-۱ روش کار.....
فصل دوم : معرفی محمد مهدی الجواهری	
۸	۱-۲ ولادت.....
۹	۲-۲ خاندان.....
۹	۳-۲ دوران کودکی تا بزرگسالی.....
۱۰	۴-۲ سفرها و فعالیت های سیاسی و ادبی.....
۱۴	۵-۲ وفات.....
۱۵	۶-۲ نظر جواهری درباره تحصیلات سنتی.....
۱۵	۷-۲ جواهری و رصافی.....
۱۵	۸-۲ نظر ناقدان درباره ی جواهری.....
۱۶	۹-۲ شباهت جواهری به ویکتور هوگو از دیدگاه میربصری.....
۱۶	۱۰-۲ شعر او از حیث شکل و ساختار.....
۱۷	۱۱-۲ دیدگاه سیاسی.....
۱۷	۱۲-۲ مضامین غنایی.....
۱۸	۱۳-۲ تأثیر از امیل زولا.....
۱۸	۱۴-۲ آثار.....
۱۹	۱۵-۲ خلاصه ای از زندگی و فعالیت های او.....
فصل سوم : معرفی عدنان المالکی	
۲۳	معرفی عدنان المالکی.....

۲۸ فصل چهارم : مناسبت سرودن قصیده
 فصل پنجم : شرح و تحلیل قصیده
۳۰ ۱-۵ اوضاع سیاسی عراق
۵۳ ۲-۵ رثای عدنان مالکی
۷۹ ۳-۵ پیمان بغداد
۱۰۵ ۴-۵ مدح سوریه
۱۳۶ ۵-۵ درد دل شاعر با شهید
 فصل ششم : نتیجه گیری
۱۴۵ نتیجه گیری
۱۴۷ منابع

مقدمه

خدای بزرگ را شاکرم که این توفیق را یافتم تا به انگیزه‌ی تدوین پایان‌نامه مدت‌زمانی را صرف مطالعه و بررسی آثار یکی از شاعران مطرح و معاصر عراق بنمایم و در کشف رمز و راز یکی از قصائد وی تلاش کنم به این امید که در این رهگذر توفیقی هرچند اندک یافته باشم و افتخار قبول محضر اساتید محترم را کسب نمایم که حاصل این تلاش به صورت رساله حاضر تنظیم شده است. این رساله دارای شش فصل می‌باشد که در فصل اول به بیان کلیات، در فصل دوم به زندگی جواهری، در فصل سوم به زندگی عدنان مالکی، در فصل چهارم به مناسبت سرودن قصیده و در فصل پنجم به شرح و تحلیل قصیده و در فصل آخر به نتیجه‌گیری پرداخته‌ام. و برخی فصول دارای زیرمجموعه‌هایی است که در اینجا به علت صرفه‌جویی در وقت از بیان آن خودداری کردم. بنده در شرح و تحلیل این قصیده ابتدا تک‌تک ابیات را با اعراب‌گذاری کامل ذکر کرده سپس به ترجمه لغات و ترجمه بیت و شرح نکات بلاغی و ذکر موارد نحوی پرداخته‌ام. روش من در نوشتن این رساله تحلیلی توصیفی و مراجعه به کتابخانه و فیش برداری بوده است. لازم به یادآوریست که شاعر در این قصیده از آرایه‌های ادبی (معانی، بیان، بدیع) چون استعاره، مجاز، تشبیه، مراعات‌النظیر و... بسیار استفاده کرده است. انگیزه او از به‌کاربردن صنایع ادبی علاوه بر زیبا کردن اثر میتواند متأثر از تعالیم و مطالعات او، و شاید وجود اختناق و فشار سیاسی و اجتماعی جامعه دانست. شاعر در این ابیات با صراحت لهجه به انتقاد از اوضاع سیاسی آن دوره عراق می‌پردازد، که او را بخاطر همین بی‌باکی و صراحت لهجه می‌توان از شعرای سیاسی کلاسیک معاصر دانست.

بنده از منابع مختلفی برای نگارش این پایان‌نامه استفاده کرده‌ام که با مراجعه به اینترنت و کتابخانه‌ها به کتب مورد نظر و مطالب مورد نیاز خویش نائل‌آمدم. در پایان از اساتید گرانقدر سرکار خانم گندمی کال و سرکار خانم فردانی به خاطر راهنمایی بنده در نگارش این رساله کمال قدردانی و تشکر را دارم.

فصل اول
کلیات

بیان مساله

محمد مهدي جواهري يکي از شاعران بزرگ معاصر عراق و از تباري اصیل و ریشه دار مي باشد . او از کودکی به سرودن شعر علاقه عجيبی داشت . بنابراین ديوان شعر حجيمي از او بر جای مانده است که قسمتي از این ديوان به مسائل سياسي اختصاص یافته که تنها منحصر به اوضاع سياسي عراق نیست لذا در ديوانش قصایدی راجع به معرفي اشخاص سياسي کشور هاي دیگر نیز موجود مي باشد و این رساله به شرح يکي از این قصائد سياسي جواهري با نام « خلفت غاشيه الخنوع » که راجع به يکي از شهداي بزرگ سوریه است ، مي پردازد .

۱-۱ هدف

هدف من از انتخاب این موضوع شناساندن برخي از ابعاد منفي سيطره استعمار گران بر کشور ها در خلال شرح و ترجمه این قصیده و بررسی شخصیت عدنان المالکي و شهادت او و چپاول منابع کشورها در سایه پیمان بستن با استعمارگران مي باشد .

۲-۱ اهمیت موضوع تحقيق و انگیزش انتخاب آن

انگیزه من از انتخاب این موضوع آشنایی با شخصیت محمد مهدي جواهري و آرای سياسي او مي باشد ، با توجه به اینکه این شاعر قبل از سرودن این قصیده دچار رکود از دیدگاه برخي معاصرانش شده بود ، این قصیده را میتوان سر آغازی دوباره در زندگی ادبي جواهري دانست که از شهادت عدنان المالکي نشأت گرفته است . او با صراحت تمام در این قصیده به انتقاد از اوضاع سياسي جامعه مي پردازد و به همین دلیل بعد از سرایش این قصیده مجبور شد دو سال به سوریه پناهنده سياسي شود.

۳-۱ سوالات

محمد مهدي جواهري از ذوق و قریحه شعري فوق العاده اي بر خوردار بوده است ، برخي او را منتبني معاصر مي دانند ، همچنین او از يك خانواده اصیل شیعی عراق نسب دارد ، و از شاعران کلاسیک معاصر عرب مي باشد که با بسیاری از ادبا و مقامات حکومتي و سياسي رابطه داشته است از این رو بخشی از ديوان حجيم او قصایدی راجع به برخي از شخصیت هاي سياسي و ادبي مي باشد . که يکي از این قصائد ، قصیده «خلفت غاشيه الخنوع» است که در یادبود عدنان المالکي سروده است .

سوالي که پیش مي آید اینست که شاعر چقدر در شناساندن او موفق بوده است ؟ آیا جواهري شاعر مناسبات مي باشد ؟ هدف او از سرودن این قصیده صادقانه و به خاطر علاقه به شهید و راه او بوده یا اینکه اغراض شخصي مثل کسب موقعیت و گرفتن صله در کار بوده است ؟

۱-۴ روش

در این رساله نخست به ترجمه لغات نا آشنا پرداخته ام و پس از فهمیدن معنای لغات و درک اجمالی معنای بیت به مقالات متعددی راجع به جواهری و عدنان مالکی و اوضاع سیاسی عراق در زمان سرودن قصیده ، مراجعه کرده ام تا اینکه بهتر ابیات را درک کنم و غرض شاعر را به درستی متوجه شوم . سپس ابیات را با دقت فراوان اعراب گذاری کرده و به ترجمه پرداخته ام . پس از ترجمه به بررسی مضامین ابیات و موضوعات جانبی آن روی آوردم و با توجه به موضوعات مختلف مطرح در قصیده - که در برخی موارد به کمبود منابع قابل ارجاع برخوردم - و با تلاش فراوان و استفاده از نرم افزارهای جستجوی کتب و مراجعه به اینترنت این مشکل را برطرف کردم و منابع مورد نظر خود را یافتم . در کنار شرح موضوعی به شرح نکات بلاغی و نحوی نیز پرداخته ام .

۱-۵ طرح

این رساله از شش فصل تشکیل شده که فصل اول اشاره به کلیات رساله از جمله بیان مساله ، هدف تحقیق ، اهمیت تحقیق ، و انگیزش انتخاب آن و بیان محدودیت ها می باشد . فصل دوم به زندگی نامه شاعر اختصاص داده شده است و دربرگیرنده موضوعاتی نظیر : ولادت شاعر ، خاندان ، تالیفات و ... می باشد . فصل سوم و چهارم به زندگینامه عدنان المالکی و مناسبت سرودن قصیده اشاره دارد . فصل پنجم درباره ی شرح و تحلیل قصیده است که شامل حالت سیاسی و اوضاع عراق ، رثای عدنان المالکی و ... می باشد . در فصل آخر نتیجه گیری کرده ام .

۱-۶ پیشینه

بنابر تحقیقی که در این باره انجام داده ام ، کتاب و مقاله ای را نیافتم که به شرح و بررسی این قصیده پرداخته باشد و مقاله هایی را درباره ی آن در اینترنت خوانده ام که فقط به صورت اجمالی و کلی اشاره به مناسبت سروده شدن قصیده دارد . همچنین به چند پایان نامه در باره ی آرای سیاسی و دینی جواهری مراجعه نموده ام که از جمله آنها :

۱- شرح و بررسی اشعار جواهری به شماره : pJ ۸۲/۴

۲- بررسی اشعار سیاسی و مدیحه های جواهری به شماره : pJ ۷۸/۲۱

که در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز موجود است ، و هیچ کدام اشاره ای به این قصیده نداشتند .

۷-۱ محدودیت ها

منبع مورد استفاده در این رساله دو نسخه از دیوان محمد مهدی جواهری از کتابخانه مجلس می باشد که هیچ کدام شرحی از ابیات نداشت ، و با توجه به اینکه قصیده به برخی از موضوعات معاصر پرداخته بود ، در شرح برخی ابیات با کمبود منابع و عدم دسترسی به آن مواجه شدم .

۸-۱ روش کار

روش کار در این رساله تحلیلی توصیفی می باشد .

فصل دوم
معرفي محمد مهدي الجواهري



۱-۲ ولادت

محمد مهدی جواهری در خاندانی اهل علم در نجف و از يك خانواده ریشه دار در علم و ادب و شعر به دنیا آمد . وی آخرین بازمانده کلاسیکهای بزرگ عرب ، شاعر ایرانی تبار سوسیالیست و انقلابی عراق (شفيعي کدکني ، ۱۳۸۰ ، ۷۳ - ۷۴) در نیمه قرن چهاردهم است . برای تولد وی تاریخهای متفاوتی ذکر شده است، اما به نظر می‌رسد صحیح‌ترین تاریخ ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ قمری باشد (پروین گنابادي ، بهرام ، جواهری : محمد مهدی ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۲۰) .

۲-۲ خاندان

شهرت خانواده اش بخاطر شیخ محمد حسن ، نویسنده کتاب « جواهر الکلام » است (الجواهری ، ۲۰۰۸ ، ۶) . پدرش، عبدالحسین، از نوادگان شیخ محمدحسن نجفی بود. اولاد و نوادگان شیخ محمدحسن، نام خانوادگی خود را در انتساب به این کتاب، « جواهری » ، « صاحب جواهر » و « جواهر کلام » برگزیده‌اند . تعداد زیادی از فرزندان و نوادگان صاحب جواهر از عالمان، فقیهان و ادیبان عصر خود بودند. پسران وی عبارت بودند از: محمد، عبدالحسین، حسین، عبدعلی، باقر، حسن، ابراهیم و موسی (افشار ، ایرج ، جواهری : آل ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۱۴)

۳-۲ دوران کودکی تا بزرگسالی

محمد مهدی از پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد برادر بزرگش، عبدالعزیز، و قرآن را در مکتب‌خانه فراگرفت. تحصیلات ابتدایی را نزد معلمی تندخو گذراند، به طوری که بعدها از تأثیر منفی این دوره با تلخی بسیار یاد می‌کرد. سپس به مدرسه رشديه رفت و به فراگیری زبان و ادبیات عرب و جغرافیا پرداخت. وی حافظه‌ای اعجاب‌انگیز داشت به شکلی که در هشت سالگی هر روز يك خطبه از نهج‌البلاغه، قطعه‌ای از أمالی شریف مرتضی، قصیده‌ای از دیوان منتبى و قطعه‌ای از البیان و التبین جاحظ را از بر می‌کرد و چنان‌که خود گفته، به جهت قدرت حافظه‌اش مورد غبطه و حسادت قرار می‌گرفت.

وی با وجود استعداد و حافظه قوی، در آغاز علاقه‌ای به تحصیلات سنتی نداشت اما همین تحصیلات اولیه سنتی و مطالعه اشعار قدما بعدها تأثیر عمیقی بر شعر وی گذاشت. جواهری از کودکی دلبستگی شدیدی به شعر داشت. پدرش با اینکه در آغاز مخالف سرودن وی بود، هنگامی که علاقه عمیق او را به شعر درك کرد، خود نیز به تشویق وی پرداخت و او را با خود به مجالس بزرگان برد. جواهری هم در این مجالس تحت تأثیر اندیشه آزادی‌خواهی بزرگانی چون محمدسعید حبیبی، شاعر مبارز ضداستعمار، قرار گرفت. وی در نوجوانی همراه برادر بزرگ‌ترش در یکی از حوزه‌های علوم دینی نجف به تحصیل پرداخت و لباس روحانیت بر تن کرد، اما پس از مرگ پدرش، تحصیلات حوزوی و لباس روحانیت را کنار گذاشت. (پروین گنابادی، بهرام، جواهری: محمد مهدی، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ۳۲۰). او متأثر از محیط اطراف و استعداد فطرییش در سن کم شعر سرود. از شعرهایی که در ابتدای کار گفت چیزی باقی نمانده است و در کانون الثانی سال ۱۹۲۱ اولین قصیده اش منتشر شد (الجواهری، ۲۰۰۸، ۶). و بعد از آن اشعارش را در روزنامه‌ها و مجلات مختلف عراقی و عربی چاپ کرد. اولین مجموعه شعری وی، با عنوان «حلبه الادب» در ۱۳۰۲ ش/۱۹۲۳ در بغداد منتشر شد (پروین گنابادی، بهرام، جواهری: محمد مهدی، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ۳۲۰).

۴-۲ سفرها و فعالیت های سیاسی و ادبی

جواهری دو بار به ایران سفر کرد؛ بار اول در سال ۱۹۲۴ و مرتبه دوم در سال ۱۹۶۶ بود. او مجذوب طبیعت ایران گشت و قطعه‌هایی در این باره سرود (الجواهری، ۲۰۰۸، ۶). تأثیر عمیقی که مشاهده طبیعت زیبا و سفر به شهرهای ایران بر وی گذاشته، در اشعارش (از جمله «علی' حدود فارس»، «علی' گرند»، «الریف الضاحك»، «علی' دربند» و «فی طهران» آشکار است. وی در ۱۳۰۶ ش/۱۹۲۷ به بغداد سفر کرد و معلم مدارس کاظمیه شد، اما پس از انتشار قصیده «بریدالعُربه» در روزنامه الفیحاء— که در آن به ستایش طبیعت و آب و هوا و زیباییهای ایران پرداخته بود و دلیل وابستگی

به عراق را فقط علاقه به یارانش دانسته بود - ساطع حُصْرَى، مدیرکل وزارت معارف، او را به شعوبی‌گری متهم و از معلمی برکنار کرد. سپس جواهری، با وساطت عالم دینی، سیدحسن صدر، با ملک فیصل ملاقات کرد و به عنوان کارمند اداره تشریفات دربار، مشغول به کار شد. وی سه سال در دربار سلطنتی مشغول به کار بود و سپس استعفا کرد. او با وجود انتقاد بسیار از وضع عراق تحت سلطنت، توانسته بود به خوبی مناسباتش را با خانواده سلطنتی حفظ کند.

وی در ۱۳۰۷ ش/۱۹۲۸ دفتر شعر بَيْنَ الشُّعُور و العاطفه را در بغداد منتشر کرد. در ۱۳۰۹ ش/۱۹۳۰ روزنامه الفرات را منتشر کرد و به همین مناسبت کنیه ابوالفرات را برای خود برگزید، اما پس از انتشار بیست شماره، به دلیل مخالفت‌های سیاسی، امتیاز آن لغو شد. او سپس رئیس دبیرخانه وزارت معارف شد و تا ۱۳۱۵ ش/۱۹۳۶، که از وزارت معارف استعفا کرد، به تدریس در دبیرستانهای بصره، نجف و دانشسرای معلمان مشغول بود. در همین سال، با انتشار روزنامه الانقلاب به‌کار مطبوعاتی بازگشت و پس از تعطیلی این روزنامه، در ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ الرأى العام و المعارض را منتشر کرد. جواهری در این حرفه شهامت چشمگیری از خود نشان داد. وی تا ۱۳۴۰ ش/۱۹۶۱، که از روزنامه‌نگاری کناره گرفت، حدود دوازده روزنامه را سرپرستی و سردبیری کرد که اغلب آنها به دلایل سیاسی عمر کوتاهی داشتند.

در ۱۳۱۵ ش/۱۹۳۶، جواهری به دلیل مخالفت با بکر صدقی، چندماهی به زندان رفت

(عطیه ، ۱۹۹۸ ، ۶۴) . هنگامی که جنبش مایس در سال ۱۹۴۱ به پا خواست آنرا یاری نمود و بعد از شکست جنبش ، عراق را ترك کرد . در همان سال به عراق بازگشت و چاپ روزنامه « الراي العام » را از سر گرفت . در سال ۱۹۴۴ در جشنواره ابوالعلاء المعري دمشق شرکت کرد (الجواهري ، ۲۰۰۸ ، ۸) . وی در ۱۳۲۶ ش/۱۹۴۷، با حمایت امیر عبدالاله، به عنوان نماینده شهر کربلا وارد مجلس شد، اما پس از مدت کوتاهی به جبهه مخالف پیوست و سرانجام در ۱۳۲۷ ش/ ۱۹۴۸ از نمایندگی استعفا کرد (عطیه ، ۱۹۹۸ ، ۶۶ - ۶۷) ، تا بر سیاست استعماري اي که معاهده ي بور تسموث بر مردم تحميل مي کرد اعتراض کند (الجواهري ، ۲۰۰۸ ، ۶) . در همین سال برادرش، جعفر، در تظاهرات دانشجویی کشته شد. مرگ برادر چنان تأثیر عمیقی بر وی گذاشت که دو قصیده به نام «أخی جعفر» و «یوم الشهید» در رثای وی سرود که هر دو از شاهکارهای شعر معاصر عرب در قالبهای قدمايي محسوب می‌شوند (پروین گنابادي ، بهرام ، جواهری : محمد مهدي ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۲۱) . در سال ۱۹۴۲ به فرانسه سفر کرد و شعر عاشقانه « انیتا » را سرود (میر بصري ، ۱۴۱۵ ، ج ۱ ، ۱۸۱) . و در اولین کنفرانس صلح جهانی در « برکلاو » شرکت می‌کند و تنها نماینده عربی در این کنفرانس بود بعد از پایان این کنفرانس به پاریس بازگشت و چند ماه در آنجا ماند و سپس به عراق برگشت . در سال ۱۹۴۹ و

۱۹۵۰ جلد اول و دوم دیوانش را در نسخه جدیدی چاپ کرد . این دیوان در بر دارنده قصائدی است که شاعر در دهه ۴۰ عمر خویش سروده است که از جمله این قصائد : « ستا لینغراد ، المقصوره ، المعري ، ابو التمن ، الوتري ، سوا ستبول ، ارب ايها القلب ، احي جعفر ، يوم الشهيد » مي باشد (الجواهري ، ۲۰۰۸ ، ۸) . او دو سال (۱۹۵۰ - ۱۹۵۲) در مصر اقامت گزید (مير بصري ، ۱۴۱۵ ، ج ۱ ، ۱۸۱) ، در سال ۱۹۵۲ دكتور طه حسين او را براي شرکت در کنفرانس فرهنگي اتحاديه عرب که در اسکندريه برگزار گرديد فرا خواند و هنگامی که به مصر رسید دکتر طه حسين اعلام کرد که جواهري میهمان حکومت مصر می باشد و در آن کنفرانس قصیده ای سرود که حکومت ارتجاعي عراق را به تصویر کشید . سپس به عراق بازگشت و در سال ۱۹۵۱ برای شرکت در کمیته بزرگداشت عبد الحمید الکرامي به بیروت فرا خوانده شد (الجواهري ، ۲۰۰۸ ، ۸) . در ۱۳۳۱ ش/۱۹۵۲ به بغداد بازگشت و روزنامه‌نگاری را از سر گرفت (پروین گنابادي ، بهرام ، جواهري : محمد مهدي ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۲۱) و روزنامه های « الاوقات البغداديه ، الثبات ، الجهاد » را چاپ کرد و به دنبال انتفاضه سال ۱۹۵۲ روزنامه الجهاد تعطیل گشت (الجواهري ، ۲۰۰۸ ، ۸) و در تشرین الثاني ۱۹۵۲ در ابو غریب زندانی شد و در سال ۱۹۵۳ روزنامه « الجديد » را چاپ کرد (مير بصري ، ۱۴۱۵ ، ج ۱ ، ۱۸۱) . او برترین نشان افتخار عراق (الرافدین) را از امیر عبدالاله دریافت کرد (عطيه ، ۱۹۹۸ ، ۶۷ - ۶۸) . چاپ روزنامه الراي العام به خاطر برپایی حکومت ارتجاعي عراق ، در سال ۱۹۵۴ متوقف شد . حکومت می خواست که او را ساکت کند اما جواهري از آن سرپیچی کرد و کمیته بزرگداشت عدنان المالکي او را ، به دمشق برای شرکت در مراسم بزرگداشت عدنان المالکي فرا خواند و این قصیده را سرود :

خلفت غاشيه الخنوع وراني و اتيت اقبس جمره الشهداء

در این قصیده حکومت ارتجاعي عراق را رسوا کرد . و بعد از اینکه حکومت سوریه حق پناهندگی سياسي را به او داد در دمشق اقامت کرد و دو سال میهمان ارتش سوریه شد . او در دمشق جلد اول دیوانش را به چاپ چهارم رساند و جلد های دیگر را چاپ نکرد سپس در سال ۱۹۵۷ به بغداد بازگشت . بعد از بازگشت از دمشق در « علي الغربي » ساکن گشت تا اینکه انقلاب چهاردهم سال ۱۹۵۸ به پا خواست و به بغداد برگشت و قصیده ای در باره این انقلاب سرود . دوباره روزنامه الراي العام را برای تایید انقلاب و دستاوردهایش چاپ کرد . و به عنوان نماینده در اتحادیه روزنامه‌نگاران و رئیس اتحادالادباء العراقيين (انجمن ادبای عراق) انتخاب گردید (الجواهري ، ۲۰۰۸ ، ۹) . در سال ۱۹۶۱ به چک اسلواکی سفر کرد و در پراگ هفت سال اقامت گزید . او در سال ۱۹۶۸ به وطن باز گشت و دوباره او را به عنوان رئیس اتحاد الادبا العراقيين در کانون الثاني ۱۹۷۱ انتخاب کردند (مير بصري ، ۱۴۱۵ ، ج ۱ ، ۱۸۱) . در اواخر دهه ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۰ ، به دلیل مخالفت با حزب بعث (پروین گنابادي ، بهرام ، جواهري

: محمد مهدي ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۲۱) ، بار ديگر به پراگ سفر کرد و مدت طولاني در آنجا ماند (مير بصري ، ۱۴۱۵ ، ج ۱ ، ۱۸۱) ، تا بالاخره دمشق را برای اقامت برگزید و مورد استقبال گرم مردم و رئیس‌جمهوری سوریه قرار گرفت (پروين گنابادي ، بهرام ، جواهری : محمد مهدي ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۲۱) . او تمایل داشت در سال ۱۹۹۱ به لندن بیاید اما در راه پراگ مريض شد و برای معالجه در آنجا ماند . در کانون الاول ۱۹۹۱ به لندن رفت . همسرش در آنجا فوت کرد و جسدش به دمشق انتقال یافت و جواهری برای اقامت به دمشق بازگشت ، زمانی که جواهری در دمشق زندگی می‌کرد (۱۹۹۱) در کنفرانس احزاب مخالف عراقی به دستور صدام حسین در بیروت حضور یافت و سخنرانی ایراد کرد (مير بصري ، ۱۴۱۵ ، ج ۱ ، ۱۸۲) . در ۱۳۷۱ ش/۱۹۹۲ ، وی در سفری شش ماهه به ایران ، در تهران ، مشهد و قم ، مورد عنایت ادبا و شعرا و مقامات سیاسی قرار گرفت و مجالس فراوانی در تکریم وی برگزار شد (پروين گنابادي ، بهرام ، جواهری : محمد مهدي ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۲۱) .

۲ - ۵ وفات

وی در ۵ مرداد ۱۳۷۶ / ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۷ در دمشق درگذشت و در زینبیه به خاک سپرده شد. پس از درگذشت وی، شاعرانی نظیر عبدالوهاب بیاتی و زاهد زُهدی در رثای وی اشعاری سرودند و بیش از سیصد مقاله و شعر به یاد او در نشریات عربی به چاپ رسید. وی بزرگترین شاعر عراقی در میان نسل خود محسوب می‌شود و برترین شاعری است که به شیوه کلاسیک و سنتی، زندگی پراضطراب عراق را به تصویر کشیده و باعث گسترش شعر سیاسی ماندگار در عراق شده است. او در شعر نیز، همانند زندگی‌اش، نگران مسائل سیاسی عراق معاصر بود (همان منبع ، ۳۲۱) .

۲ - ۶ نظر جواهری درباره تحصیلات سنتی

تحصیلات سنتی، که در نظر وی تنها راه تسلط بر ظرافتهای زبان عربی است، همراه با احاطه بر شعر شاعرانی چون ابوتَمّام ، بُحتری متنبی، و تأثیرپذیری از فرهنگ قرآن کریم و نهج‌البلاغه و نیز پرورش یافتن در شهر نجف، که فرهنگ شیعه در آن تداوم دارد، از جواهری شاعری یگانه و ممتاز ساخته است (همان منبع ، ۳۲۱) .

۲ - ۷ جواهری و رصافی

رصافی و جواهری در نگرش فکری و افکار با یکدیگر هم عقیده بودند و در ملاقات با هم ، هر کدام شکایت و ناله خویش را سر می‌داد (مير بصري ، ۱۴۱۵ ، ج ۱ ، ۱۸۴) . به نظر محمدمصطفی بدوی ، راهی را که معروف رُصافی ، شاعر آزادی، در بیان مسائل اجتماعی و سیاسی در شعر آغاز کرده بود، جواهری به شیوه‌ای دیگر و به شکلی

گسترده‌تر و چشمگیرتر ادامه داد. رصافی نیز از شباهت بین جواهری و خودش آگاه بود و در یکی از اشعارش، که جواهری را مخاطب قرار داده است، اذعان کرده که جواهری جانشین اوست (پروین گنابادی، بهرام، جواهری: محمد مهدی، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ۳۲۱).

۸-۲ نظر ناقدان در باره جواهری

ناقدان، جواهری را شاعر مناسب‌ها نامیده‌اند. با اینکه شعر مناسبت در بهترین نمونه‌هایش، بیانگر تجربه‌ای عینی و بیرونی است، جواهری این تجربه را چنان با احساس و عاطفه خود می‌آمیزد که شعر از حالت شخصی خارج می‌شود و احساس خواننده با احساس شاعر یکی می‌شود. بهترین نمونه آن را در شعر «أخی جعفر»، که برای شهادت برادرش سروده است، می‌توان دید (الجواهری، ۱۹۷۳ - ۱۹۸۰، ج ۳، ۲۵۵ - ۲۶۶).

جواهری در موضوعاتی نظیر مدح، وصف و مرثیه برای بزرگانی نظیر حافظ ابراهیم، شوقی، رُصافی، اشعار بسیاری دارد، اما در نظر ناقدان، شعر وی، نقطه اوج شعر سیاسی در عراق است. جواهری با استادی تمام توانسته است به شعرهای سیاسی، عاطفه و دیدگاهی انسانی ببخشد و همین امر، بیشترین تأثیر را بر بدر شاکر السیاب، یکی از بنیان‌گذاران شعر آزاد عرب، و نسل پس از او داشته است (همان منبع، ۳۲۲)، و با همه تقیدی که به اسلوب کلاسیک دارد، در سراسر کشور های عربی به عنوان شاعر بی‌همتا و گوینده توانای روزگار ما مورد قبول است. حتی تندروترین نوپردازان عرب او را به عنوان یگانه بازمانده موفق اسلوب کلاسیک قبول دارند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۷۴).

۲ - ۹ شباهت جواهری به ویکتور هوگو از دیدگاه میربصری

شعر جواهری، شعری انتقام‌گیرنده و شعله‌ور است، مردم مظلوم را نوازش کند و بر حاکم ظالم شلاق سوزان نوازد، و در محکوم کردن ظلم و ظالمان به شعر ویکتور هوگو نزدیک می‌گردد. آری، او بسان ویکتور هوگو، خطیب توده مردم در انقلاب ۱۸۴۸، و نویسنده «ناپلئون» و «مجازات»، می‌باشد. شعر جواهری برای همیشه سندی مملوء از جهاد عربی است، او ملت را پاسداری و به آزادی و کرامت تشنه کرد (میربصری، ۱۴۱۵، ج ۱، ۱۸۴).

۲ - ۱۰ شعر او از حیث شکل و ساختار

شعر جواهری از حیث شکل و ساختار همان شعر سنتی عرب است، اما زبان شعر وی بسیار قوی و غنی است. واژگان شعر وی با دقت و وسواس انتخاب شده‌اند، لحن اشعار سیاسی وی غالباً خطابی است و در اشعاری مانند "أطبقُ دُجی" از شگردهای خطابه و

سخنرانی به‌خوبی استفاده کرده‌است. به نظر جبرا ابراهیم جبرالحن خطابی اشعار سیاسی جواهری در تاریخ ادبیات عرب نادر و کم‌نظیر است. در اشعار برجسته و معروف او تصاویر متراکم و فشرده، همراه با وزنی مناسب و استوار و لحنی دلنشین و سرشار از هیجان باعث می‌شود که شعرش به لحاظ سبکی و از نظر تأثیرگذاری و برانگیختن عواطف خواننده منحصر به‌فرد باشد، به عنوان نمونه شعر "أطبق دُجی" ، با اینکه از نظر شکل و زبان، شبیه اشعار قُدماست، اما ویژگیهای مذکور باعث شده است که شعری نادر و منحصر به‌فرد باشد (پروین گنابادی ، بهرام ، جواهری : محمد مهدي ، دانشنامه جهان اسلام ، ۱۳۸۶ ، ج ۱۱ ، ۳۲۲) .

۲ - ۱۱ دیدگاه سیاسی

نگرش سیاسی جواهری منحصر به عراق معاصر نیست؛ وی در برخورد با مسئله فلسطین، تا قبل از ۱۳۲۷ ش/۱۹۴۸ برجسته‌ترین شخصیتی بود که به ضعف بنیانهای سیاسی اعراب توجه کرد و با لحنی دردناک از آن انتقاد نمود. او در نخستین شعرش در باره فلسطین (به نام " فلسطین الدامیه " ، ۱۹۲۹)، از يك سو اعراب را به مبارزه عملی و نظامی با صهیونیستها ترغیب می‌کند و از سویی دیگر، سستی رهبران عرب و اعتماد بیش از حد عربها به بریتانیا را عامل اصلی بدبختی آنها می‌داند. او در اشعار " ذکر وعد بالفور " و " الیأسُ المَنشود " بی‌پروا به انتقاد از رهبران کشورهای عرب می‌پردازد و آنها را ابزاری بی‌اراده در دست غرب معرفی می‌کند (همان منبع ، ۳۲۲) .

۲ - ۱۲ مضامین غنایی

در مضامین غنایی، نظیر وصف معشوق و طبیعت، اشعار او غالباً خشک، تصنعی، عامه‌پسند و خالی از هر نوع نوآوری است. تنها شعر غنایی وی، که از این قاعده مستثناست، " آفرودیت " است که شعری ساده و صمیمی است (همان منبع ، ۳۲۲) .

۲ - ۱۳ تاثیر از امیل زولا

شعر " اللاجئه فی العید " ، که در ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱ سروده شده، گزارشی است ترحمانگیز از زن فلسطینی جوانی که خانواده‌اش را صهیونیستها کشته‌اند و او برای تأمین زندگی برادر کوچکش به خود فروشی کشیده می‌شود. جواهری در این شعر، با تأثیر آشکار از امیل‌زولا، کوشیده کاربرد روایت را در شعر سیاسی تجربه کند (همان منبع ، ۳۲۲) .

۲-۱۴ آثار

از ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲، که جواهری اولین دفتر شعر خود « حلبه الادب » را در بغداد منتشر کرد، چاپهای متعددی از دفاتر شعری و دیوان وی به جهان عرب معرفی شده